



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# فناکی آسمانی

تحفه الطالبین

در فضیلت و چگونگی استشفاء

به ترتیب عبیر آسای

حسینی علیه السلام

سید فضل الله امامت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خاک آسمانی: در فضیلت و چگونگی استشفاء به ترتیب عبیر آسای حسینی علیه السلام: تحفه الطالبین

نویسنده:

سید فضل الله امامت

ناشر چاپی:

بنیاد علمی فرهنگی نور الاصفیاء

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	خاک آسمانی: در فضیلت و چگونگی استشفاء به ترتیب عبیر آسای حسینی علیه‌السلام: تحفه الطالبین
۶	مشخصات کتاب
۶	خاک کربلا
۶	سخن ناشر
۷	تربت عبیر آسای حسینی
۸	نگاهی به زندگانی مؤلف
۹	حکم شرعی خوردن و استشفاء
۱۱	نظرات فقها
۱۷	پاورقی
۲۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

**خاک آسمانی: در فضیلت و چگونگی استشفاء به ترتیب عبیر آسای حسینی علیه السلام: تحفه الطالبین****مشخصات کتاب**

سرشناسه: امامت، فضل الله، ۱۳۴۷ - ۱۲۹۰

عنوان و نام پدید آور: خاک آسمانی: در فضیلت و چگونگی استشفاء به ترتیب عبیر آسای حسینی علیه السلام: تحفه الطالبین /

تالیف سید فضل الله امامت؛ تحقیق ناصر باقری بیدهندی

مشخصات نشر: قم: بنیاد پژوهشهای علمی، فرهنگ نور الاصفیاء، ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری: ۶۴ ص. نمونه

فروست: (بنیاد پژوهشهای علمی، فرهنگی ۱۶)

شابک: ۹۶۴-۵۹۲۷-۲۰-۲۵۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۵۹۲۷-۲۰-۲۵۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: عنوان روی جلد: خاک آسمانی (تحفه الطالبین): پژوهشی درباره تبرک و شفاعت تریب امام حسین (ع).

یادداشت: عنوان دیگر: خاک آسمانی: تحفه الطالبین.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۶۴ - ۶۱؛ همچنین به صورت زیر نویس

عنوان روی جلد: خاک آسمانی (تحفه الطالبین): پژوهشی درباره تبرک و شفاعت تریب امام حسین (ع).

عنوان دیگر: خاک آسمانی: تحفه الطالبین.

عنوان دیگر: تحفه الطالبین

عنوان دیگر: خاک آسمانی (تحفه الطالبین) پژوهشی درباره تبرک و شفاعت تریب امام حسین (ع)

موضوع: تربت حسینی

موضوع: توسل

شناسه افزوده: باقرییدهندی، ناصر، ۱۳۳۷ - ، گردآورنده

رده بندی کنگره: BP۲۶۳/۲/الف/خ ۲

رده بندی دیوبی: ۲۹۷/۷۶۴۵

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۰-۲۶۶۵۴

**خاک کربلا**

کربلا- خاکت دهد بوی بهشت کربلا هستی تو چون کوی بهشت کربلا خاکت معطر از چه شد بین گلها امتیازت از که شد؟ کربلا

گو بوی عطرت از کجاست عنبر و بوی عبیرت از کجاست؟ کربلا- بوی خدائی می دهی کی ز او بوی جدائی می دهی کربلا- جانم

فدای بوی تو کی شود رو آورم برسوی توشاعران بسیاری خاک کربلا- را ستوده و آن را چنانکه شایسته است از مرتبه ای بلند

برخوردار دانسته اند. ابن اعسم گوید: للحسین تربة فيها الشفا تشفی الذی علی الحمام أشرفالها دعائان فیدعوا لداعی فی وقتی الأخذو

الابتلاع حد لها الشارع حدا خصصه تحریمه ما كان فوق الحمصه ((سفینه البحار، چ اسوه، ج ۱، ص ۴۵۶)) [ صفحه ۷ ]

بسمه تعالی تاریخ اسلام شخصیت‌های بسیاری را در خود جای داده است، فرهنگ اسلام عرصه‌های گوناگونی با خود دارد و در هر عرصه پهلوانان و بزرگان نام‌آور که افتخار آفریده‌اند، اما هرگز صحنه‌ی عاشورا و آنچه در آن گذشت را همتایی نیست. چنانکه افتخار آفرینان آن عرصه نیز هرگز همتیانی ندارند. در کجایمی توان سراغی از جانفشانی‌های علمدار رشیدش گرفت؟ در کجا می‌توان رشادت‌ها و بیداری‌های زینب را جستجو کرد؟ در کدامین عرصه نبردی امت پیامبری با شبیه‌ترین آفریدگان به آن پیامبر در خلق و خلق و منطبق این چنین روبرو گشته است؟ در کدامین روبرویی حق و باطلی بدبختی تا بدانجا پیش رفته که در صحنه‌ی نبرد کودک ششماهه‌ای را سرباز شناخته و با تیر سه شعبه هدفش گیرند؟... و بالاخره در کدامین روزگار کلام ناطق خدا و جلوه‌گاه همه‌ی زیبایی‌ها با همه‌ی زشتی‌ها و پستی‌ها روبرو گشته تا گمراهان بنام خدا و به قصد قربت او پاره پاره‌اش کنند؟ در کدام عرصه‌ای خون خدا و فرزند خون خدا هر لاله و غنچه‌ی زیبایی را که در چپته داشته بر صحنه آورده و پیشکش ساخته تا جرثومه‌های فساد و پلیدی کنه هستی و نهایت درون خویش را برملا سازد... و اینگونه بایستی از حق، از دین خدا و از ولایت مولا که ناموس کبریاست دفاع کرد و جانانه ایستاد و بهره گرفت... [صفحه ۸] و این تنها یک روی آن سکه‌ی سرخ است... و این سکه روی دیگری نیز دارد... او هر آنچه در کف داشت تقدیم خدا و راهش کرد، خدا نیز ویژگی‌هایی به او بخشید که هرگز به کسی نداده است، پاداشی که در تمام قرون و اعصار از تازگی نیفتاده و هر روزی جلوه‌ای نو دارد و چه زیبا به نظم آورده این حدیث شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را، مرحوم علامه صالح بن عبدالوهاب معروف به ابن‌العزندی حلی رحمه الله در آن قصیده‌ی زیبای معروفش... و فیه رسول الله قال و قوله صحیح صریح لیس فی ذلکم نکر حبی بثلاث ما أحاط بمثلها ولی، فمن زید هناک و من عمرو له تربة فیها الشفاء و قبة یجاب بها الداعی اذا مسه الضر و ذریة ذریة منه تسعة أئمة حق، لاثمان و لاعشر... [۱]. در باره‌ی حسین علیه‌السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله چنین گفت و گفته‌اش صریح و البته صحیح و غیرقابل تردید است. سه چیزش داده شده که همانندش را هرگز ولی‌خدایی بدست نیاورده، زید و عمرو در آنجا چه کاره‌اند؟ او را تربتی است که در آن شفا، و گنبدی که دعای هر دعاکننده‌ای در آن به اجابت می‌رسد، آنگاه که گرفتاری او را دریابد. و فرزندان هم چون در گران که نه تن از آنان پیشوایان حق‌اند، نه هشت و نه ده... و این کتاب که توسط یکی از دانشمندان صاحب نظر در متون دینی نگاشته شده، یکی از این ویژگی‌های منحصر بفرد آن امام فداکار را به بحث و جستجو کشیده و زوایای نهان شرعی، تاریخی و اجتماعی آن را روشن [صفحه ۹] ساخته، و خوشبختانه فاضل و محقق گرانمایه جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای باقری بیدهندی زید عزه با وجود اشتغالات فراوان تحقیقی و فراغت اندک، با عنایت و پاسخ مثبتشان به درخواست این بنیاد علمی پژوهشی فرصتی را به تحقیق، استخراج منابع و ویرایش این کتاب ارزشمند اختصاص داده و ما را در احیای آن کتاب یاری و افتخار نشر آن را نصیبمان ساخته‌اند... باشد که با عنایات ویژه‌ی حضرتش توفیق استشفاء و استجاب یافته و از انوار طیبه‌ی آن امامان هم‌علیهم‌السلام تابشی بر تن و جانمان استوار گردد. والسلام‌علی لسان‌الدین رستگار جویباربنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگی نور الاصفیاء شبی در یک زیارتگاه مه‌ری زیار با صفا آمد به دستم چو گل بویدم و بوسیدم آن را هنوز از عطر روح افزاش مستم بگفتم از کدامین خاکی ای مهر که دل بر رشته‌ی مهر تو بستم بگفتا تربت پاک حسینم که بر دامان احسانش نشستم کمال همنشین در من اثر کرد و گرنه من همان خاکم که هستم شعر از مرحوم دکتر قاسم رسا [صفحه ۱۱]

### تربت عبیر آسای حسینی

ای خاک کربلای تو مهر نماز من این مهر را به ملک سلیمان نمی‌دهم یکی از ویژگی‌های شیعه آن است که برای خاک پاک مزار امام حسین علیه‌السلام و اطراف مرقد مطهر حضرتش فضیلت و قداست و کرامت قائل است و می‌گوید خداوند شاکر منان به پاس فداکاری آن بزرگوار و ایثار فرزندان و بهترین یارانش در راه احیاء دین و عظمت اسلام، آثار و خواصی در آن تربت عنبر سرشت

نهاده و آن را کیمیای ناب و اکسیر احمر و داروی هر دردی قرار داده است. [۲]. [ صفحه ۱۲ ] و از این رو مجبان حسینی در صورت دسترسی به این تربت مقدس، کام نوزاد را با آن برمی گیرند. و در نماز بر آن خاک بهشتی سجده می کنند. و برای یاد خداوند با تسبیح تربت امام حسین علیه السلام ذکر می گویند. و در وقت بیماری به قصد شفا اندکی از آن را جزو شیرازه‌ی وجودشان می نمایند و در سفرها برای ایمن ماندن از حوادث، مقداری از آن را همراه می برند و هنگام دفن عزیزی از دست رفته، پاره‌ای از آن را در کفن و قدری را نیز با حنوط او مخلوط می کنند تا از خواص معنوی و آثار خارق العاده آن بهره مند گردند. مؤلف محترم رحمه الله در این رساله با استفاده از منابع معتبر و با استناد به سخنان پیشوایان دین امتیازات و فواید تربت پاک حسینی و مشروع و مطلوب بودن امور فوق را به اثبات رسانده و نشان داده به سبب فواید بسیار این خاک بهشتی شایسته است که ارزش و جایگاه آن همواره در [ صفحه ۱۳ ] میان مسلمانان محفوظ باشد. این کتاب ارزشمند در سال ۱۳۸۸ ه ق تألیف و ظاهراً در همان سالها منتشر گردیده. از آنجا که کتاب سالها تجدید چاپ نشده و از دسترس علاقه‌مندان دور مانده بود چاپ دوباره آن با ویرایش جدید و استخراج منابع آن ضروری به نظر می رسید از این رو به تحقیق آن اقدام شد. و نام آن «خاک آسمانی» را این کمترین به نام اصلی کتاب افزود. و از آنجا که اخوان محترم محمدی پور بیدهندی (مسئولان محترم شرکت صنعتی امید فنر) در احیای برخی مساجد و حسینیه‌های زادگاه حقیر کوشا و در برگزاری مراسم عزاداری سیدالشهداء تلاش می کنند، این اثر را به آنان و همه‌ی عزیزانی که چون اینان فعالیت می کنند پیشکش می کنم. امیدوارم که این نوشتار به معرفت اعتقادی شیعیان و مجبان حسینی بیفزاید تا با عشقی سرشار از آگاهی در این راستا قدم بردارند. ان شاء الله

### نگاهی به زندگانی مؤلف

مؤلف این اثر، عالم پرهیزگار مرحوم آیت الله سید فضل الله کاشانی [ صفحه ۱۴ ] مشهور به «امامت» است که در سال هزار و سیصد و سی قمری برابر با هزار و دوویست و نود شمسی، در شهر کاشان در یکی از بیوتات علم و تقوی و فضیلت دیده به جهان گشود. اجداد معظم له از سادات حسینی کرسوی کلهری هستند، که نسب شریفشان به سید اعظم یکی از عالمان دین عصر خود می رسد. پدر گرامی علامه بزرگوار آیت الله سید فخرالدین بن سید محمد مهدی امامت کاشانی (م حدود ۱۳۹۲ - ۱۲۹۲ ه ق) است که در علوم مختلفه صاحب نظر و در تألیف و تصنیف کوشا بوده و آثار ارزنده‌ای از خود به یادگار نهاده است. [۳]. والدهی ماجد ایشان، کریمه مرحوم آیت الله ملا حبیب الله شریف کاشانی [۴] (م ۱۳۴۰ ه) استنویسنده در دامان پاک مادری محترمه و زیر سایه پدر گرانقدرش [ صفحه ۱۵ ] پرورش یافت و از همان آغاز مراحل زندگی در نزد پدر خود به تحصیل پرداخت از آنجایی که نبوغ سرشاری داشت هنوز دوازده بهار از عمرش بیش نگذشته بود که از فراگیری علوم عربی فارغ شد و بلافاصله با فقه و اصول و دیگر علوم اسلامی خو گرفت و در پرتو هوش سرشار و کوشش خستگی ناپذیر خویش در سنین جوانی به حدی رسید که می توانست احکام الله و قوانین اسلامی را از منابع علمی آن یعنی کتاب و سنت و فرمایشات معصومان علیهم السلام - با نظر خود استنباط نماید و وصول به درجه رفیعه اجتهاد - که برای بسیاری از دانش پژوهان علوم اسلامی به آسانی به دست نمی آید موجب شگفتی استادان و هم درسان ایشان شده بود. مؤلف غیر از پدر، نزد دیگر اساتید و شخصیت‌های علمی بزرگ آن زمان زانو زد و از محضر آنان خوشه چینی و علم اندوزی نمود و آن گاه بسان ستاره‌ی درخشان در زادگاه خود به نورافشانی پرداخت. شماری از اساتید معظم له عبارتند از: مرحوم آیت الله العظمی ملا حبیب الله شریف (م ۱۳۴۰ ه ق) مرحوم آیت الله العظمی سید محمد علوی بروجردی (م ۱۳۶۲ ه ق) در کاشان مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (م ۱۳۵۵ ه ق) مرحوم آیت الله سید محمد تقی خوانساری (م - ۱۳۷۱ ه ق) [ صفحه ۱۶ ] مرحوم آیت الله صدر الدین صدر (م ۱۳۷۳ ه ق) مرحوم آیت الله سید محمد حجت کوه کمری (م ۱۳۷۲ - ۱۳۱۰ ه ق) در قم اجازة نامه‌های اجتهاد معظم له از تنی چند از علمای بزرگ اجازة اجتهاد داشت از جمله از: مرحوم آیت الله سید



ابوالحسن اصفهانی (م ۱۳۶۵ - ۱۲۸۴ ه ق) مرحوم آیت الله آقاضیاء عراقی (م ۱۳۶۱ - ۱۲۷۸ ه ق) مرحوم آیت الله سید محمد علوی بروجردی مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی (۱۳۴۰ ش) از آنجا که محتوای اجازات مشایخ اجازه در معرفی و تبیین شخصیت علمی مترجم مؤثر است نمونه‌هایی از اجازات مؤلف را در پایان کتاب خواهیم آورد. قم ناصر باقری بیدهندی [صفحه ۱۷]

### حکم شرعی خوردن و استشفاء

الحمد لله رب العالمین، و الصلاة و السلام علی سیدنا محمد خاتم النبیین، المبعوث علی الخلائق اجمعین، الذی کان نبیا و آدم بین الماء و الطین، [۵] و علی آله الطیبین الطاهرین و اللعن الدائم علی اعدائهم الی یوم الدین. و بعد فهذه الرسالة الشریفه المسماة ب (تحفة الطالبین)، فی بعض احکام الدین، و حرمة اکل الطین، علی یقین، و جواز اکل تربة الحسین الشهید، ابن امیر المؤمنین و سید الوصیین، و سبط سید المرسلین، صلوات الله علیهم اجمعین، و ذلک لمن استشفی بها من المتقین من مؤلفات العبد الفانی السید فضل الله الحسینی الکاشانی (امامت) نجل السید الجلیل آقا سید فخر الدین دام ظلّه. [صفحه ۱۸] سؤال: خوردن خاک و گل و حکمش چیست؟ جواب: علاوه بر ضرر و زیان داشتن آن، بر تن و جان انسان، شرعا حرام است. سؤال: حرمت اکل طین [۶] بین علماء مسلمین اتفاقی است؟ یا اختلافی؟ جواب: ظاهرا بین علماء امامیه از فرق مسلمین اختلافی در حرمت آن در نظر نیست. [۷]. سؤال: جمیع اقسام خاک و گل حرام است؟ یا استثنائی هم در کار هست؟ جواب: بعضی از اقسام آن، در بعضی از موارد، از این حکم خارج است. سؤال: اقسامی که از این حکم خارج شده، کدام است؟ و مواردش کجاست؟ جواب: آنچه از روایات و اخبار، و فتاوی و کلمات فقهاء اخیار، از عبارات کتب فقهیه، و رسائل عملیه، استفاده شده، خوردن کمی از تربت حضرت سید الشهداء - ارواح العالمین له الفداء -، برای شفاء جائز [صفحه ۱۹] است، بلا اشکال. سؤال: خوردن تربت خامس اصحاب کسا، برای شفاء از روی اخلاص و صفا، تا چه مقدار تجویز شده؟ جواب: بعضی به مقدار نخود تجویز کرده‌اند و مشهور است، ولی احوط آن است که زیاده از مقدار عدس خورده نشود. سؤال: هر گاه کسی به قصد تبرک بخورد، نه برای شفاء و استشفاء چه صورتی دارد؟ جواب: حکم به جواز مشکل است، اگر چه از بعضی نقل شده ولی احوط ترک است. سؤال: استشفاء یا تبرک به تربت مقدسه، بدون اکل چه حکمی دارد؟ جواب: ضرری ندارد، و مانعی در نظر نیست. سؤال: خاک قبر مطهر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سایر حضرات معصومین - صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین -، با تربت مقدسه ابی عبدالله الحسین - سلام الله علیه - حکمش یکی است؟ یا فرق دارد؟ جواب: در جواز استشفاء و تبرک بدون اکل ظاهرا فرقی نیست، ولی در جواز اکل، برای استشفاء تفاوت دارد، و این حکم از مختصات تربت مقدسه حضرت امام حسین علیه السلام است، و ظاهر آن است، که هیچ یک از حضرات معصومین - سلام الله علیهم اجمعین - با آن حضرت شرکت [صفحه ۲۰] ندارند. سؤال: حکم جواز اکل، به قصد شفاء که از مختصات تربت مقدسه امام حسین علیه السلام است مسلم، آیا خصوصیات دیگر هم در این خاک مطهر هست که در خاک‌های دیگر نیست؟ جواب: شبهه‌ای نیست، که خصوصیات دیگر هم دارد، که هر یک در جای خودش به تفصیل ذکر شده، مرحوم محدث قمی - نور الله تربته، و رفع فی الجنان رتبه -، در کتاب مفاتیح، پس از ذکر بعض اخبار تربت می نویسد: «مؤلف گوید: که فوائد تربت شریفه آن حضرت بسیار است، از جمله آنکه، مستحب است با میت در قبر گذاشتن، و کفن را به آن نوشتن، و دیگر سجده کردن بر آن است که سجده بر آن هفت حجاب را می‌درد، (یعنی باعث قبولی نماز می‌شود که به آسمانها بالا می‌رود)، و دیگر تسبیح از تربت آن حضرت ساختن و به آن تسبیح ذکر کردن و در دست داشتن است که فضیلت عظیم دارد». تا اینجا عبارت کتاب مفاتیح بود، به عین [عبارت] نقل شد. [۸]. سؤال: تسبیح پخته که از کربلای معلای می‌آورند، و زوار اظهار می‌کنند، [صفحه ۲۱] که از خاک مطهر آن حضرت است، آیا فضیلتی برایش ثابت است یا خیر؟ جواب: هر گاه معلوم باشد که از خاک مطهر آن حضرت است همان فضیلت برایش ثابت است، در کتاب معتبر از حضرت صادق علیه السلام است، هر که بگرداند سنگهائی را که از تربت امام

حسین علیه السلام می‌سازند، (یعنی تسبیح پخته)، پس یک بار استغفار کند، هفتاد استغفار برای او نوشته می‌شود، و اگر تسبیحی را در دست نگاه دارد، و تسبیح نگوید، به عدد هر حبه هفت مرتبه برای او نوشته می‌شود. و در بحار است «روی عن الصادق علیه السلام: من ادار الحجیر من تربة الحسين فاستغفر مرة واحدة كتب الله له سبعین مرة و ان مسك السبحة و لم یسبح بها ففی کل حبة منها سبع مرات». سؤال: خوردن گل ارمنی، و گل داغستان، که بعضی می‌خورند حکمش چیست؟ جواب: بعضی از علماء برای معالجه تجویز کرده‌اند، [۹] ولی حقیر به دلیل محکمی واقف نشده‌ام، احوط ترک است، مگر در صورت اضطرار و علاج با انحصار. [صفحه ۲۲] سؤال: گل ارمنی و گل داغستان چه خصوصیتی دارد، که از مطلق گل حکمش را جدا کرده‌اند؟ جواب: راجع به گل ارمنی در یک حدیث دیده‌ام، که خلاصه آن حدیث این است، که گل ارمنی از گل قبر ذی‌القرنین است، ولی از آن حدیث، جواز اکل معلوم نمی‌شود، و آن حدیث در بحار مذکور است، به این عبارت «سئل جعفر بن محمد علیه السلام عن الطین الارمنی یؤخذ [منه] للکسیر، [و المبتلون] یحل أخذہ؟ قال: لا بأس به، أما أنه من طین قبر ذی‌القرنین، و طین قبر الحسین بن علی علیهما السلام خیر منه. [۱۰]» در جواهر [۱۱] و مستند [۱۲] و ریاض نیز این حدیث مذکور است. سؤال: کلمه ارمنی چه کلمه‌ای است و منسوب است به کجا؟ جواب: موافق آنچه در کتب لغت می‌نویسد، ارمنی منسوب است به شهری که در روم است، که او را ارمنیه می‌گویند و ارمنیه، (به کسر همزه، و سکون راء مهمله، و میم مکسوره، و یاء ساکنه و نون مکسوره و یاء مفتوحه و در آخر تاء تأنیث)، و قد تشدد الیاء الاخیره و یقال: ارمنیة علی زنة اقلیمیة، و هی ایضا بلد بالروم، علی ما فی القاموس، و [صفحه ۲۳] هما لاتنصرفان لوجود السبیین فیهما، العلمیة و التأنیث اللفظی، و فی المجمع و ارمنیة (بکسر الهمزة و المیم و بعدها یاء آخر الحروف ساکنه، ثم نون مکسوره، ثم یاء آخر الحروف ایضا مفتوحة لاجل هاء التأنیث) کوره بناحیه الروم و النسبة الیها ارمنی. انتهى ما فی المجمع و فی القاموس. و ارمنیة (بالکسر، و قد تشدد «الیاء» الاخیره)، کوره بالروم، أو أربعة أقالیم، أو أربع کور متصل بعضها ببعض، یقال: لكل کوره [منها] ارمنیة و النسبة «ارمنی» بالفتح. سؤال: در کتب طب ذکری از گل ارمنی شده یا خیر؟ خواصی از برای او هست یا نه؟ جواب: در بعضی از کتب طب قدیم [۱۳] در موضوع گل ارمنی، این‌طور می‌نویسد: «گل ارمنی گلی است که از بلاد ایروان آورند، سرخ تیره [جگری] و با نرمی، و اندک چربی در رفع وبا، طاعون، و ردع اورام، و قطع سیلان خون اعضاء، و اسهال مثل گل مختوم و جهت ضیق النفس و سل به غایت مفید و مضر سپرز است». [۱۴]. سؤال: گل داغستان چه گلی است؟ جواب: در موضوع گل داغستان، در طب قدیم این‌طور نوشته شده: [صفحه ۲۴] «گل داغستان، گلی است که از داغستان حوالی شیروان آرند، قسمتی از او زرد و گاهی بسیار کم رنگ و قسمتی بسیار مغسول و سفید در جمیع افعال بهتر و قوی‌تر از گل مختوم است و مفرح و قوی و رافع سمیت اخلاط و خفقان است». [۱۵]. سؤال: گل مختوم چه گلی است؟ جواب: راجع به گل مختوم، به طوری که در بعض کتب قدیم است اینکه: «گل مختوم گلی است که از جزیره ملیون بحر مغرب خیزد و در قدیم، زنی از تل خاک آنجا نقل به بقعه راهبی می‌نموده، و بعد از شستن قرص‌ها می‌ساخته و صورت راهب را در او نقش می‌کرده، و از این جهت او را طین الراهب نیز نامند، [او بسقوریدوس] و جالینوس [۱۶] را اعتقاد آنکه خاکی است به خون بز نر سرشته، و بالفعل به جهت احاطه دریا به جزیره مذکوره موجود نیست، [۱۷]، و به جای آن سایر خاک‌ها را استعمال می‌کنند، و بهترین او در غایت سرخی می‌باشد، و در بوی شبیه به شیت، و گویا به چربی آلوده شده، و بر زبان چسبد، و پاشیدن او در [صفحه ۲۵] ساعت قطع خون زخم تازه می‌کند، و تریاق جمیع سموم و مقوی دل و مفرح، و رافع مضرات هوای وبائی و اسهال دموی و چرک [و قرحه امعاء] و تبهای حاره. و بدلش گل داغستان است، و در امور مذکوره قوی‌تر از آن است. [۱۸] و گل مختوم اسامی متعدده دارد، طین مختوم، طین بحری، طین الکاهن و طین الراهب همه اسم است از برای گل مختوم» تا اینجا از کتب طب قدیم نقل شد، و العلم عند الله. سؤال: حکم حرمت اکل طین، و جاز استشفای به تربت فرزند امیرالمؤمنین، و سبط سید المرسلین، و خاتم النبیین، - صلی الله علیه و آله اجمعین - و جواز اکل طین ارمنی و طین داغستان در کجای فقه با تفصیل مذکور است. جواب: جای این مسئله در کتاب اطعمه و اشربه کتب

فقیهه است و در جاهای دیگر هم به مناسبت ذکر شده سزاوار است بعض عبارات کتب مختصره فقه و غیره در اینجا اشاره شود. [ صفحه ۲۶ ]

## نظرات فقها

فی ذکر عبارات بعض کتب الفقیهیه و غیرها الدالّه علی حرمة اکل الطین جواز اکل تربه الحسین بن علی علیه السلام للاستشفاء ففی کتاب الشرایع للمحقق [۱۹] الحلّی - علیه الرحمه - فی ذکر الجامدات المحرمه، قال: الرابع الطین فلا یحل شیء منه، عدا تربه الحسین علیه السلام فانه یجوز للاستشفاء و لا- یتجاوز قدر المحمصه، و فی الأرمنی روایه بالجواز، و هی حسنه [۲۰] لما فیها من المنفعه للمضطر «الیها» (انتهی) [۲۱] ما فی کتاب الشرایع. و فی کتاب التبصره للعلامه - اعلی الله مقامه - : «و یحرم الاعیان النجسه کالعدره و ما ابین من الحی و الطین عدا الیسیر من تربه الحسین علیه السلام للاستشفاء و السموم القاتله». (انتهی) و در کتاب جامع عباسی شیخ بهائی - علیه الرحمه - در ذکر اشیاء محرمه می نویسد: «بیست و دوم خاک و گل خوردن، خواه پاک باشد، خواه نجس، سواى (خاک) تربت حضرت امام حسین علیه السلام که به مقدار [ صفحه ۲۷ ] نخودی جهت شفاء می توان خورد و گل ارمنی نیز برای دوا می توان خورد.» انتهى ما فی الجامع. [۲۲] در آخر کتاب حق الیقین مرحوم علامه مجلسی - رحمه الله علیه -، پس از ذکر محرمات ذبیحه می نویسد: «خوردن خاک و گل حرام است، غیر تربت امام حسین علیه السلام به قصد شفاء». (انتهی). و در کتاب حلیه المتقین در آخر فصل فوائد مأكولات، بعض اخبار داله بر حرمت اکل گل را، مگر گل قبر امام حسین علیه السلام، به قدر یک نخود برای شفاء، ذکر می کند. و در فصلی دیگر کتاب [از] حلیه المتقین، در فوائد تربت حضرت امام حسین علیه السلام پس از ذکر اخبار جواز اکل تربت مقدسه برای شفاء می نویسد: «بدان که مشهور میان علماء آن است که به قدر نخود می توان خورد، و چون در بعضی از احادیث عدس ظاهر می شود بهتر آن است که زیاده از عدس نخورند». (انتهی). [۲۳]. و فی کتاب الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه: «یحرم الطین بجمیع اصنافه و عن النبی صلی الله علیه و آله: من أكل الطین فمات فقد اعان علی [ صفحه ۲۸ ] نفسه. [۲۴]. و قال الکاظم علیه السلام: أكل الطین حرام مثل المیتة و الدم و لحم الخنزیر، الا طین قبر الحسین علیه السلام فان فیہ شفاء من کل داء، و أمنا من کل خوف [۲۵] فلذا قال المنصف: الا- طین قبر الحسین علیه السلام، فیجوز الاستشفاء منه لدفع الأمراض الحاصلة بقدر المحمصه المعهودة المتوسطة فمادون و لا- یشرط فی جواز تناولها أخذها بالدعاء، و تناولها به، لاطلاق النصوص [۲۶] و ان کان افضل. و المراد بطین القبر الشریف تربه ماجاوره من الأرض عرفا، و روی [۲۷] الی أربعة فراسخ، و روی ثمانیة [۲۸]. و كلما قرب منه کان افضل، و لیس کذالك التربة المحترمة منها فانها مشروطة بأخذها بالدعاء، ولو وجد تربه منسوبة الیه علیه السلام حکم باحترامها حملا علی المعهود. و کذا یجوز تناول الطین الأرمنی لدفع الأمراض المقرر عند الأطباء [ صفحه ۲۹ ] نفعه منها، مقتصرًا منه علی ما تدعوا الحاجة الیه بحسب قولهم المفید للظن، لما فیہ من دفع الضرر المظنون، و به روایه حسنه [۲۹]، و الارمنی طین معروف یجلب من ارمنیه یضرب لونه الی الصفرة ینسحق بسهولة. یحبس الطبع و الدم، و ینفع البثور و الطواعین شربا و طلاء، و ینفع فی الوباء اذا بل بالخل و استنشق رایحته، و غیر ذلك من منافعه المعروفة فی کتب الطب». (انتهی) [۳۰]. [ صفحه ۳۰ ] و فی کتاب الریاض: «الطین و هو بجمیع اصنافه حرام، اجماعا فتوی و نسا مستفیضا بل متواترا منها: اکل الطین حرام کلحم الخنزیر، [۳۱] و من أكله ثم مات فیہ لم اصل علیه [ صفحه ۳۱ ] الا طین القبر فان فیہ شفاء [۳۲] من کل داء و من اكله بشهوة لم یکن فیہ شفاء» - الخ. [۳۳]. و فی المستند «من الجوامد المحرمه الطین و لا خلاف فی تحریم عدا ما یستثنی منه، و نقل الاجماع علیه مستفیض، بل هو اجماع محقق و هو الدلیل. مضافا الی النصوص المستفیضة» - الخ [۳۴]. ثم قال: «قد عرفت استثناء طین قبر الحسین علیه السلام و هو ایضا اجماعی و الاخبار فیہ بلغت حد التواتر». (انتهی) [۳۵]. در کتاب جواهر الکلام، فی شرح شرایع الاسلام، للشیخ محمد حسن النجفی - رحمه الله علیه - در ذیل عبارت مرحوم محقق: «الرابع: الطین» می نویسد: «بلاخلاف أجده، بل الاجماع بقسمیه علیه، بل المحکی منهما مستفیض أو

متواتر کالنصوص الواردة فيه المشتملة على كون أكله من مكائد الشيطان [۳۶] و مصائد الكبار و أبوابه العظام [۳۷] و من الوسواس [۳۸] و [صفحه ۳۲] یورث السقم فی الجسد و یهيج الداء [۳۹] و یورث النفاق [۴۰] و یوقع الحکة فی الجسد، و یورث البواسیر و یهيج داء السوداء و ینذهب بالقوة من الساقین و القدمین [۴۱] و أنه مثل الميتة و الدم و لحم الخنزیر، [۴۲] و أن من أكله ملعون [۴۳] و أن من أكله فمات فقد أعان على نفسه، [۴۴] و لا یصلی علیه [۴۵] «- الخ [۴۶]». و پس از تحقیقاتی به این عبارت می‌رسد: «فلا یحل شیء منه» اى الطین عدالطین من تربة الحسین علیه السلام فانه یجوز الاستشفاء به بلاخلاف، بل الاجماع بقسمیه علیه، بل النصوص [۴۷] فيه مستفیضة أو متواترة، و فیها المشتمل على القسم و غیره من المؤکدات. [۴۸] نعم لا یتجاوز قدر الحمصة. بلاخلاف اجده فيه، بل یمکن تحصیل الاجماع علیه [صفحه ۳۳] اقتصارا على المتیقن فی مخالفة معلوم الحرمة» [۴۹]. و مرحوم محدث قمی، در کتاب مفاتیح در ذیل تذیل، در فضیلت آداب تربت مقدسه امام حسین علیه السلام در صفحه ۶۵۰ می‌نویسد: «مؤلف گوید که: مشهور میان علماء آن است که خوردن گل و خاک مطلقا جایز نیست، مگر تربت مقدسه امام حسین علیه السلام به قصد شفا بی قصد لذت به قدر نخودی، بلکه احوط آن است که به قدر عدسی باشد و خوب است که تربت را در دهان بگذارد و بعد از آن جرعه‌ای از آب بخورد و بگوید «اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء و سقم». (انتهی) [۵۰]. و در رساله توضیح المسائل می‌نویسد «خوردن خاک حرام است، ولی خوردن کمی از تربت سید الشهداء علیه السلام برای شفا، و خوردن گل داغستان و گل ارمنی برای معالجه اشکال ندارد». (انتهی). بعضی از دانشمندان عصر حاضر شرحی به کتاب تبصره علامه - اعلى الله مقامه - نوشته‌اند و به چاپ رسیده در صفحه ۱۱۱ در ذیل عبارت تبصره (یحرم الأعیان النجسة) - الخ می‌نویسد: اما حرمت خاک و گل و هر چیزی که از زمین به شمار آید به نحو اطلاق محل خلاف و [صفحه ۳۴] شبهه‌ای نیست. و بعضی از اخبار بر ضرر و زیان داشتن آن بر انسان دلالت دارد، و همچنین در استثناء تربت حسین علیه السلام فی الجملة خلافی نیست، و با قیودی شبهه‌ای در جواز تناول آن نمی‌باشد: اول آنکه تربت از قبر مطهر یا مجاور آن از زمینی که عرفا خاک قبر بر آن صدق نماید برداشته شده باشد، اگر چه در بعضی از روایات امتداد تا چهار فرسخ بلکه تا هشت فرسخ ذکر شده است، و ظاهر کلمات بسیاری از فقهاء در محل بحث تفضیلی است و آن این است که اگر از قبر و دور قبر به دست آید اشکالی در استشفاء به آن نیست و اگر خارج از این بود و آن تا چهار فرسخ یا هشت فرسخ به دست آید، روی قبر مطهر بگذارند و با دعاء مخصوص که در کتب ادعیه ذکر شده بردارند. دوم از قیود این که تربت به اندازه یک نخود متعارف و کمتر باشد و الاحرام است. و ظاهر قید «للاستشفاء» عدم جواز اکل تربت است برای تبرک در بعضی از روزها (اضحی و فطر و عاشوراء)، ولی بعضی اعظام به جواز آن قائل شده‌اند و دلیلی برای جواز آن نیست، مگر مقصود صورتی باشد که از جهت کمی آن در آب مستهلک شود». (انتهی) سؤال: مهرهائی که از مشاهد مشرفه می‌آورند، یا تسبیح‌های تربت که معلوم نیست که تربت امام حسین است، هرگاه مقداری از آن را ته ظرف بریزند و آب در ظرف کنند برای تبرک یا شفا بخورند، چه صورتی دارد؟ [صفحه ۳۵] جواب: در صورت عدم اختلاط با آب، یا استهلاک خوردن آب ضرری ندارد ظاهرا. سؤال: ادله احکام شرعیه، کتاب و سنت و اجماع و دلیل عقل است، حرمت اکل طین مطلقا، و جواز اکل تربت مقدسه امام حسین - ارواح العالمین له الفداء - به قصد شفا به چه دلیل ثابت است؟ جواب: ظاهر این است که در کتب معتبره ذکر شده و طبق همین، اخبار بزرگان ار فقهاء و مجتهدین فتوا داده‌اند، و شهرت قرار گرفته، به اندازه‌ای که مخالفی در نظر حقیر نیست، بلکه بعضی صریحا نفی خلاف کرده‌اند و در جواهر [۵۱] و مستند [۵۲] و ریاض [۵۳] دعوی اجماع فرموده چنانچه از نقل عبارات معلوم شد، مناسب است بعض روایات و اخبار وارده در این مقام تیمنا و تبرکا ذکر شود. باسمه تعالی شأنه العزیز. در بعض روایات و اخبار از کتب معتبره، از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول [صفحه ۳۶] است که: «هر که گل بخورد و بمیرد در خون خود شریک شده». [۵۴]. و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل شده «که بزرگترین دام‌های شیطان، خوردن خاک و گل است، دردها در بدن حادث می‌کند و خارش بدن و بواسیر از آن به هم می‌رسد و دردهای سوداوی از آن مولد می‌شود و قوت را از ساق

و قدم می‌برد [۵۵]. و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه‌السلام منقول است که: «حق تعالی آدم را از خاک آفرید، پس خوردن خاک را بر فرزندان او حرام گردانیده» [۵۶]. مرحوم علامه مجلسی - اعلی الله مقامه الشریف - در کتاب حلیه المتقین، باب سوم این کتاب را در آداب خوردن و آشامیدن قرار داده، در آخر فصل هشتم از همین باب سوم می‌نویسد: «در احادیث معتبره وارد شده است که خوردن هر گلی حرام است (مانند مردار و خون و گوشت خوک) مگر گل قبر امام حسین علیه‌السلام که خوردن آن به قدر یک نخود شفاست از هر دردی، و امان است از هر [ صفحه ۳۷ ] خوفی» [۵۷]. و در فصل دوازدهم از باب نهم این کتاب در فوائد تربت حضرت امام حسین علیه‌السلام می‌نویسد: «در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که؛ در خاک قبر حضرت امام حسین علیه‌السلام شفای هر دردی هست، و آن است دوی بزرگ.» [۵۸]. و در حدیث دیگر از حضرت امام صادق علیه‌السلام منقول است که: «هر که را علتی حادث شود، به تربت آن حضرت مداوا کند البته شفا یابد، مگر آنکه آن علت مرگ باشد. [۵۹]. در روایت دیگر فرمود: کام فرزندان خود را به تربت آن حضرت بردارید، که امان می‌دهد از بلاها. [۶۰]. در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه‌السلام هیچ متاعی به جانی نمی‌فرستادند، مگر آن که قدری از تربت آن حضرت در میانش [ صفحه ۳۸ ] می‌گذاشتند، که برکت آن محفوظ بماند. [۶۱]. و در حدیث معتبر منقول است که «ابن ابی‌یعفور از حضرت امام صادق علیه‌السلام سؤال کرد، که بعضی از مردم از تربت حضرت امام حسین علیه‌السلام می‌گیرند، و متنفع می‌شوند و بعضی نفع نمی‌یابند! فرمود: و الله هر کس اعتقاد نفع داشته باشد، البته نفع می‌یابد.» [۶۲]. و در حدیث دیگر منقول است: «شخصی به آن حضرت عرض کرد: مرا درد و مرض بسیار می‌باشد، و هر دوائی که خوردم نفع نکرد، فرمود: «چرا تربت حضرت امام حسین را نمی‌خوری که آن شفای هر درد و امان از هر بیم است...؟» [۶۳]. در روایت دیگر فرمود: «در وقتی که تربت را بخوری اول بوس و بر دو دیده بگذار، و زیاده از یک نخود مخور، که هر که زیاده بخورد چنان است که گوشت و خون ما را خورده است.» و در حدیث معتبر دیگر فرمودند: «هر که تربت را به قصد شفاء [ صفحه ۳۹ ] نخورد چنان است که گوشت ما را خورده است» [۶۴] و چون به قصد شفا خورد بگوید: بسم الله و بالله اللهم رب هذه التربة المباركة الطاهرة، و رب هذا النور، الذي انزل فيه و رب الجسد الذي سكن فيه، و رب الملائكة الموكلين به، اجعله شفاء من داء كذا و كذا، و آن آزار را ذکر کند، پس تربت را بخورد و یک جرعه آب بعد از آن بخورد و بگوید: اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من كل داء و سقم، چون چنین کنی رفع می‌شود آنچه در خود می‌یابی از درد و بیماری و غم و اندوه. [۶۵]. در روایات دیگر فرمود: «در وقت خوردن این دعا را بخواند: بسم الله و بالله اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من كل داء انك على كل شيء قدير [۶۶] اللهم رب هذه التربة المباركة و رب الوصي الذي وراثة صلي على محمد و آله محمد، و اجعل هذا الطين شفاء من كل داء و أمانا من كل خوف. در کتاب مفاتیح می‌نویسد: «بدان که روایات بسیار وارد شده که در تربت آن حضرت شفای هر درد و مرض است مگر مرگ، و امان است از [ صفحه ۴۰ ] بلاها و باعث ایمنی از هر خوف و بیم است، و اخبار در این باب متواتر است، و معجزاتی که به سبب این تربت مقدسه ظاهر گردیده است زیاده از آن است که ذکر شود و من در کتاب فوائد الرضویه [۶۷] که در تراجم علماء امامیه است در احوال سید محدث متبحر آقا سید نعمه الله جزایری [۶۸] - رحمه الله علیه - نوشتم که آن سید جلیل در تحصیل علم زحمت بسیار کشیده و سختی و رنج بسیار برده و در اوائل تحصیل چون قادر نبود بر چراغ به روشنی ماه مطالعه کردن چشمانش ضعف پیدا کرده بود، پس به جهت روشنی چشم خود به تربت مقدسه حضرت سیدالشهداء و تراب مراقد شریفه ائمه عراق علیهم‌السلام اکتحال می‌کرد، و به برکت آن تربتها چشمش روشن گشت (انتهی)» [۶۹]. عالم عامل خبیر بصیر، و مجتهد کامل جامع، و متتبع بی‌ظنیر، جد امی حقیر فقیر، الوحید الفرید، استاد الاساتید، مرحوم آیت الله آقای ملاحیب الله مجتهد کاشانی - اعلی الله مقامه الشریف -، در کتاب [ صفحه ۴۱ ] تذکره الشهداء در خصایص شهید کربلا، حضرت سیدالشهداء - ارواحنا له الفداء - چنین می‌نویسد: «اگر از فضیلت تربت متبر که او می‌پرسی پس همین کافی است که شفای همه امراض و موجب قبول و کمال تمام عبادات است و باعث خلاصی از عذاب قبر است و حدیث آر

زن زانیه که طفل‌های خود را که از زنا پیدا می‌کرد به آتش می‌سوزانید، و چون مرد زمین او را بیرون انداخت! و چون تربت حسینیه با او گذاشتند قبر او را بیرون نیداخت معروف است». [۷۰]. و روی انه اول ما حفروا قبر الحسین علیه السلام خرج مسک أذفرلم یشکوا فیه. گلی از روضه ریحان طه شهید کربلا، آمد به دستم چو گل بوئیدم و بر سر نهادم به از او بوی گل هرگز نجستم به او گفتم، که مشکی یا عبیری، که از بوی دل‌ویز تو مستم بگفتا: من گلی ناچیز بودم و لیکن مدتی با گل نشستم کمال همنشین در من اثر کرد و گرنه من همان خاکم که هستم مرا خاک شفا گویند مردم! به هر علت دوائی می‌فرستم» [صفحه ۴۲] انتهی ما فی کتاب التذکره لجدی العلامه، [۷۱] - اعلی الله مقامه - المتوفی فی سنه اربعین و ثلاث مائه، و الف بالسنة القمریة، من الهجرة النبویة، علی هاجرهما الف الف سلام و تحیة المدفون فی ارض دشت افروز کاشان. و نیز آن بزرگوار الفقیه النبیه، الذی هو عند الله وجیه، آیت الله آقای ملا حبیب الله - علیه رحمة الله -، در رساله عملیه خود به نام مسائل الاحکام می‌نویسد: «بهترین چیزها که بر او سجده می‌شود تربت حضرت امام حسین علیه السلام است و اخبار بسیار در فضل آن وارد است [۷۲]، حضرت امام صادق علیه السلام فرمود که سجود بر طین قبر حسین علیه السلام روشن می‌نماید تا هفت زمین را [۷۳]. و نیز فرمود که: سجود بر تربت آن حضرت هفت آسمان را پاره می‌کند. [۷۴] یعنی مقبول می‌شود و از آسمانها در بانهای آسمانها ممانعت نمی‌نمایند، چنانکه بسیاری از عبادات نمی‌گذارند که بالا رود. و اخبار در تحدید محل تربت آن حضرت به اختلاف وارد شده است [صفحه ۴۳] و در بعضی تا هفتاد ذراع، [۷۵] و در بعضی تا چهل میل، و در بعضی یک فرسخ در یک فرسخ، [۷۶] و در بعضی ده میل است، [۷۷] و معلوم است هر چه به قبر نزدیکتر باشد افضل است» (انتهی) [۷۸]. و فی کتاب المزار، من مجلدات البحار، روایات و اخبار مرویات، عن الائمة الأطهار، - علیهم سلام الله الملك الغفار -، غیر قابله للانکار، حقیق بالاظهار و الاشتهار، لیستفیع المؤمنون بالتذکار، و لاینبغی الاسرار و الاستار. فعن المسیب بن زهیر قال: قال لی موسی بن جعفر علیه السلام بعد ما سم لآتأخذوا من تربتی شیئا، لتتبرکوا به فان کل تربة لنا محرمة الا تربة جدی الحسین بن علی علیه السلام فان الله عزوجل جعلها شفاء لشیعتنا و أولیائنا. الخبر. [۷۹]. و عن الحارث بن مغیره قال: قلت: لأبی عبدالله علیه السلام انی رجل کثیر العلل و الأمراض و ما ترکت دواء الا تداویت به فقال لی: أين أنت عن طین قبر الحسین [صفحه ۴۴] بن علی علیهما السلام فان فیہ شفاء من کل داء و أمنا من کل خوف فاذا أخذته فقل هذا الکلام: اللهم انی اسألك بحق هذه الطینة و بحق الملك الذی أخذها، و بحق النبی الذی قبضها، و بحق الوصی الذی حل فیها صل علی محمد و آل محمد و أهل بیته و افعل بی کذا». قال: ثم قال لی ابو عبدالله علیه السلام: أما الملك الذی اخذها فهو جبرئیل علیه السلام و أراها النبی صلی الله علیه و آله فقال: هذه تربة ابنک الحسین یقتله امتک من بعدک و اما [أما النبی] الذی قبضها فهو محمد رسول الله صلی الله علیه و آله. و أما الوصی الذی حل فیها فالحسین علیه السلام و الشهداء رضی الله عنهم. قلت: قد عرفت جعلت فداک، الشفاء من کل داء، فکیف الأمن من کل خوف؟ فقال: اذا خفت سلطان أو غیر سلطان فلا تخرجن من منزلك الا و معک من طین قبر الحسین علیه السلام فتقول «اللهم انی اخذته من قبر ولیک و ابن ولیک فاجعله لی أمنا و حرزا لما أخاف و ما لا أخاف فانه قد یرد ما لا یخاف». قال الحارث بن المغیره: فأخذت کما أمرنی، و قلت ما قال لی فصح جسمی و کان لی أمانا من کل ما خفت و ما لم أخف، کما قال ابو عبدالله علیه السلام: فما رأیت مع ذلک بحمد الله مکروها و لا محذورا [۸۰]. [صفحه ۴۵] و عن ابی اسامه قال: کنت فی جماعه من عصابتنا بحضرة سیدنا الصادق علیه السلام فأقبل الینا ابو عبدالله علیه السلام فقال: ان الله جعل تربة جدی الحسین شفاء علیه السلام من کل داء و أمانا من کل خوف، فاذا تناولها احدکم فیقبلها و یضعها علی عینیة، و لیمرها علیسایر جسده، و لیقل: اللهم بحق هذه التربة، و بحق من حل بها و ثوی فیها، و بحق أبیه و أمه و أخیه و الائمة من ولده، و بحق الملائكة الحافین به الا جعلتها شفاء من کل داء و برء من کل مرض، و نجاه من کل آفة، و حرزا مما أخاف و أهدر ثم یستعملها». قال أبو اسامه: «فانی استعملتها من دهری الأطول، کما قال و وصف ابو عبدالله علیه السلام فما رأیت بحمد الله مکروها». انتهى الحدیث. [۸۱]. و الأخبار فی هذا الباب من ذاک کتاب، کثیرة لا یسع المقام، و لا نطیل الکلام بذکرها. و فی الرسالة المسماة بکلمات الحجج العامرة، فی ظلمات

اللجج الغامرة، فی دفع مفتریات علی الشیعة الامامیة، للشیخ الكبير، و الفاضل القلیل النظیر، المعروف بالفضل الكثير، و الموصوف بالعلم الوفیر، الشیخ محمد [صفحه ۴۶] صالح الحائری، الشهیر بالعلامة الحائری المازندرانی، [۸۲] المتولد فی سنة سبع و تسعين و مأتین بعد الف من الهجرة النبویه و هو من جملة الفضلاء المعاصرين - ادام الله بركات وجوده بمنه و جوده - . قال: و حسبك فی فضل التمسح بترتبه المباركة مارواه انس بن مالک قال: «رأيت الحسين عليه السلام مع جنازة لاصحابه، فصلينا عليه معه، فلما فرغنا من الصلاة رأيت أبا هريرة ينفذ التراب من أقدام الحسين و يمسح بها وجهه. فقال: دعني يا بن رسول الله صلى الله عليه و آله، فوالله لو يعلم الناس مثل ما أعلمه من فضلك لحملوك على أحداقهم فضلا عن أعناقهم. يا بن رسول الله، فی هاتی اذنی سمعت جدك رسول الله صلى الله عليه و آله يقول على منبره -: ان هذا ولدی الحسين سيد الشباب أهل الجنة من الخلق أجمعين - الحديث». و أحاديثهم فی فضل الحسين و أخیه، و ولده التسعة، آخر هم قائمهم، اكثر و اعظم من ذلك، و الآن قد تذكرت قصة أجمع علی وقوعها علماء العراق بل ولاية العثمانیة و حفظها صدورا، و ضبطها سطورا، وقعت فی عهد السيد علی الفقيه الاصولی الرجالی صاحب كتاب رياض المسائل و حياض الدلائل، فی شرح المختصر النافع، للمحقق الحلی، الذي يدرس اليوم فی الجامع الازهر بمصر، و كان هو بكر بلاء رئيس الشیعة و عالمهم [صفحه ۴۷] الكبير، فجاء الخبر: ان عالما توجه اليه لمناظرة علماء الاسلام، فأمر السيد أهل العلم باستقباله، و انزله فی داره مكرما، فلما ورد و جلس و العلماء حضور و غص المجلس بهم، عرف نفسه، بان علوم الاسلام و علوم الشرف بيده، حتى العلوم المنتجة، كالرمل و الجفر و غیر هما، و كان فی المجلس، عالم من اهل طبرستان حسبما سمعته من والدی العلامة، و كان فی جيبه سبعة من تربة الحسين عليه السلام، خالصة فقبضها فی كفه، و سئل النظر فی قائل، أخبرني ما فی یدی؟ و ذلك قبل عقد البحث و المناظرة، فی دين الاسلام و النصرانیة، و السيد جعل يمنع العالم الطبرسی عن هذا الامتحان، لئلا يخجل صنعه. قال: النصرانی، انی لم ادع ما ادعيت، من العلوم كذبا و الآن استخرج ما فی قبضته من اشكال الرمل فاخذ الورقة و جعل ينقط عليها، لاستخراج الأشكال الستة عشر، و جعل يتفكر كالمتهير، حتى طال الامر، فقال السيد دع ذلك الي فرصة اخرى». قال النصرانی: «قد استخرجت ما فی كفه و انما حيرني فی أن ما فی يده ليس من موجودات الدنيا فتحيرت من هذه الجهة!» قال: ماذا قال جاء صريحا (خاك بهشت) اي تراب الجنة، ففتح الطبرسی كفه، و أخرج سبعة تربة قبر الحسين، قالوا: صدق و ملك، فان اهل البيت عليهم السلام مجمعون علی ان تربة الحسين تربة الجنة بعينها، فأسلم [صفحه ۴۸] الرجل قبل المناظرة و قال: كفى الله المؤمنين القتال و ظهر الحق من غير بحث و جدال. و قد نسبت هذه القصة، ايضا الي المولى محسن الفيض الكاشانی [۸۳] صاحب الوافي احد صحاح الامامیة الثمانية، و علی ای حال فالقصة مسلمة! انتهى ما فی هذه الرسالة. در كتاب قصص العلماء [۸۴] تأليف ميرزا محمد بن شيخ سليمان تنكابنی، [۸۵] در احوالات مرحوم فيض كاشانی، چنین می نویسد: در زمان شاه عباس، از ولایت فرنگستان، شخصی را پادشاه فرنگ فرستاد، و به سلطان صفوی نوشت، که شما علماء مذهب خود را بگوئید، که با فرستاده‌ی من در امر دين و مذهب مناظره کنند، اگر او را مجاب ساختند، ما هم با شما همدين شويم، و اگر او ایشان را جواب دهد، پس شما به دين ما در آئيد. [صفحه ۴۹] و آن رسول كارش آن بود، که هر که چیزی در دست می گرفت، او اوصاف آن شیء [بدون دیدن] را بیان می کرد. پس سلطان [نیز علماء] را جمع کرده، و سر آمد اهل آن مجلس، آخوند ملا محسن فيض بود، پس ملا محسن به آن سفیر فرنگی گفت که: سلطان شما مگر عالمی نداشت که فرستاده باشد، و مثل شما عوامی را فرستاد، که با علماء ملت مناظره کنند؟! آن فرنگی گفت که: شما از عهده من نمی توانید بر آئید، اکنون چیزی در دست بگیر تا من بگویم [در دستتان چیست]. ملا محسن تسبیحی از تربت سيد الشهداء علیه السلام در دست گرفت. آن فرنگی در دریای فکر غوطه ور شو، و بسیار فکر کرد. ملا محسن گفت که: چرا عاجز مانده‌ای؟! فرنگی گفت که، عاجز نماندم، ولی به قاعده خود، چنان می بینم که در دست تو، قطعه‌ای از خاك بهشت است، و الآن فکر کردن من از این بابت است که خاك بهشت چگونه به دست تو رسیده است! ملا محسن گفت که: راست گفتم، و در دست من قطعه‌ای از خاك بهشت است، و آن تسبیحی است که از قبر مطهر دختر زاده‌ی پیغمبر صلی الله علیه و آله ما است! که امام

است، پس حقیقت دین ما و بطلان دین تو ظاهر شد. [ صفحه ۵۰ ] پس فرنگی اسلام اختیار نمود. [۸۶]. آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد، که ندارد به خداوند اقرار این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار هر که امروز نبیند اثر قدرت او غالب آن است که فرادش نبیند دیدار که تواند که دهد میوه رنگین از چوب یا که داند که بر آرد گل صد برگ از خارتا کی آخر چون بنفشه سر خجلت در پیش حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار آدمی زاده اگر در طرب آید چه عجب سرو در باغ به رقص آمده و بید و چنار [ صفحه ۵۱ ] شاخه‌ها دختر و دوشیزه‌ی باغند هنوز باش تا حامله گردند به الوان ثماربندهای رطب از نخل فرو آویزند نخلبندان قضا و قدر شیرین کار عقل عاجز شود از خوشه زرین عنب فهم حیران شود از حقه‌ی یاقوت انارسیب را هر طرفی داده طبیعت رنگی هم بدان گونه که گلگونه کند روی نگار شکل امرود تو گوئی که به شیرینی و لطف کوزه‌ای چند نباتست معلق بر بار گو نظر باز کن و خلقت نارنج بین ای که باور نکنی فی الشجر الأخضر نارپاک و بی عیب خدائی که به تقدیر عزیز ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار چشمه از سنگ برون آرد و باران از میخ انگبین از مگس نحل و دراز دریا بارتا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار [ صفحه ۵۲ ] نعمت بار خدایا ز عدد بیرون است شکر انعام تو هرگز نکند شکر گزار در اول کتاب منهج الصادقین، فی الزام المخالفین، تفسیر شریف مرحوم ملا فتح الله شریف کاشانی [۸۷]، حدیثی در فضل علم دین ذکر فرموده، برای تبرک و تیمن، تذکر می‌دهیم، می‌نویسد: «اما بعد، بر اذهان صافی و وافیه و [افکار] زاکیه مخفی نیست که علمی که مثمر سعادت اخروی، و مصلح امور دنیوی است، علم قرآن است، چه آن مأخذ اصول شریعت مصطفوی، و مصدر فروع ملت نبوی است که عمل به آن سبب رستگاری دنیا و عقبی است، چنانکه به اسانید صحیحیه مرفوعه، به امام الهدی ابوالحسن علی بن الموسی الرضا علیه و علی آبائه الصلاة و الثناء وارد شده است که آن حضرت از آباء کرام خود نقل فرموده که سید عالم صلی الله علیه و آله فرموده: که طلب علم شریعت فریضه است، بر هر که به سمت اسلام متمم است، پس طلب علم کنید، از مظان آن و اقتباس آن نمائید از اهل آن، چه تعلم آن برای رضای الهی حسنه است، و طلب آن [ صفحه ۵۳ ] عبادت است، و مذاکره آن تسبیح است، و عمل به آن جهاد و تعلیم آن صدقه، و بذل آن به اهل آن موجب قربت، و وسیله فوز و کرامت، زیرا که علم شرع معالم حلال و حرام است، و منار سیل جنت، و مونس در وحشت، و مصاحب در غربت، و وحدت، و محدث در خلوت. دلیل بر سراء و ضراء و سلاح بر اعداء، و سبب زینت نزد اخلاء، و حق تعالی حاملان این علم را رفیع القدر گردانید و ایشان را ائمه‌ی هدی ساخته، تا بندگان آثار ایشان را اقتفاء نمایند، و به افعال ایشان اقتداء کنند، و به آرای ایشان اهتداء یابند، و ملائکه مقربین راغبند در جلسه با ایشان و به اجنحه‌ی خود مسح ایشان می‌کنند، و آن را منبسط می‌سازند، تا طلبه‌ی علم شریعت، پای‌های خود را بر آنجا نهاده بر بالای آن بگذرند، و در نماز خیر و برکت ایشان را از حق تعالی در می‌خواهند، و در هر رطب و یابس که هست، حتی ماهیان دریا، و سباع و وحوش صحرا، و انعام آن برای ایشان استغفار می‌کنند. و بدانید ای اصحاب که علم شرع، حیات قلوب است، از جهالت و ضیاء ابصار از ظلمت. و قوت ابدان، از ضعف، و مبلغ حامل خود به منازل ابرار، و مجالس اخیار، و درجات علی، در دنیا و عقبی. و مذاکره کردن به آن، معادل صیام است، و مدارست به آن مساوی قیام در لیل، و به وسیله‌ی آن بنده مطیع پروردگار خود می‌گردد، و به آن محافظت صله‌ی ارحام می‌نماید، و به حلال و حرام عارف می‌شود، چه علم، امام و [ صفحه ۵۴ ] مقتدای عمل است، و عمل، تابع و مقتدای آن، حق تعالی آن را الهام سعدا می‌کند؛ و اشقیاء را از آن محروم می‌گرداند پس خوشا حال کسی که، حق تعالی او را از آن محروم نمی‌گرداند، و وای بر آن کس که از این سعادت محروم ماند. [۸۸]. وفی الكتاب الادیوان: رضینا قسمة الجبار فینا لنا علم وللأعداء [۸۹] مال فان المال یفنی عن قریب و ان العلم باق لایزال [۹۰]. لافضل [۹۱] الا لأهل العلم انهم علی الهدی لمن استدی أدلاء و قیمة المرء ما قد کان یحسنه و الجاهلون لأهل العلم أعداء فقم؟ [۹۲] بعلم و لانبغی له بدلا فالناس موتی و أهل العلم أحياء [۹۳]. تمت الرسالة الشریفه، المسماء بتحفة الطالبین فی حکم اکل الطین، و [ صفحه ۵۳ ] الاستشفاء بتربة المعصومین، محمد و آله الطیبین، الطاهرین. صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین، من مؤلفات العبد الفانی، السید فضل



الله الحسینی الکاشانی (امامت) به تاریخ شهر شعبان المعظم ۱۳۸۸ هجری قمری بعون الله تعالی و حسن توفیقه و مشیته.

## پاورقی

[۱] الغدير ۲۷ - ۲۶ / ۷.

[۲] روى محمد بن مسلم، عن السيدین (الباقر و الصادق علیهما السلام) قال: سمعتهما یقولان: ان الله تعالى عوض الحسين علیه السلام من قتله: ان جعل الامامة فى ذریته، و الشفاء فى تربته، و اجابة الدعاء عند قبره، و لا تعد ایام زائره جائیا و راجعا من عمره. خداوند متعال در مقابل شهادت امام حسین (ع) این ویژگیها را نسبت به او قرار داد: امامت را در نسل او. شفاء در تربت او. استجابت دعا کنار قبر او. عدم احتساب زمان رفت و برگشت زائران از عمرشان. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۲۹؛ عدة الداعی، ۵۷؛ اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۳۱؛ امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۲۴؛ بحار، ج ۴، ص ۲۲۱.

[۳] برای دریافت اطلاعات بیشتر نک: المسلسلات ۲۷۸ - ۲۷۶؛ جزوه سالگرد ارتحال آیت الله امامت؛ مقدمه کتاب راه نجات؛ گنجینه‌ی دانشمندان، ج ۶، ص ۲۶۴؛ فرهنگ رجال و مشاهیر تاریخ معاصر ایران، ج ۲، ص ۶۵؛ تذکره الشعراء، ص ۱۰؛ کشکول امامت، ۲، ص ۲۲۷ و ۲۹۲؛ مشاهیر کاشان ۲۱؛ عزاداری سنتی شیعیان در بیوت علماء و حوزه‌های علمیه و کشورهای جهان ص ۷۹۳؛ ملا حبیب الله شریف کاشانی فقیه فرزانه ص ۱۰۹.

[۴] در باره ایشان نک: مقدمه آثار معظم له که بسیاری از آنها اخیرا تحقیق شده از جمله ذریعة الاستغناء و کشکول امامت، ج ۲، ص ۲۸۷؛ ملا حبیب الله شریف کاشانی فقیه فرزانه از عبدالله موحد.

[۵] کتاب مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، از نسخه‌های خطی کتابخانه علامه‌ی لاجوردی، ص ۱۸.

[۶] گل، به کلوخ (گل خشک) نیز گفته می‌شود.

[۷] نک: جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۳۵۵؛ الارض و التربة الحسینیة، ص ۲۴.

[۸] مفاتیح الجنان، چاپ بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج)، ص ۸۶۴.

[۹] نیز نک: الاستشفاء بالتربة الشریفة الحسینیة از فقیه اصولی محمد کلباسی، ص ۱۳۴.]

[۱۰] مصباح المتعجد، ص ۵۱۰؛ بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۴.

[۱۱] جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۳۶۹.

[۱۲] مستند الشیعه، ج ۲، ۴۱۸.

[۱۳] ابن سینا در قانون و ابن بیطار در الجامع لمفردات الادویة و الاغذیة از آن یاد کرده‌اند نک: طب الأئمة از ابن بسطام، پاورقی، ص ۲۹۶ - ۲۹۷.

[۱۴] تحفه‌ی حکیم مؤمن، ص ۵۸۷.

[۱۵] تحفه‌ی حکیم مؤمن، ص ۵۸۸.

[۱۶] بزرگترین متخصص طب تجربی در تاریخ پزشکی قبل از قرن هفدهم. وی مورد توجه و علاقه دربار رم بود اطباء اسلامی شاگردان بقراط و جالینوس حکیم‌اند. نک: پنج‌هزار سال پزشکی ص ۹۴ به بعد، تاریخ طب اسلامی، ص ۲۰.

[۱۷] تحفه‌ی الطب به نقل از کتاب الاستشفاء، ص ۱۳۴ - ۱۳۵.

[۱۸] تحفه‌ی حکیم مؤمن، ص ۵۸۶.

[۱۹] نجم الدین جعفر بن حسن بن یحیی از فقها و بزرگان شیعه اثنا عشری است.

[۲۰] وسائل، ج ۱۶، ص ۳۹۱.

[۲۱] شرائع الاسلام، چاپ اعلمی تهران، ج ۲، ص ۲۲۴.

[۲۲] جامع عباسی، انتشارات فراهانی، ص ۳۳۶.

[۲۳] حلیه المتقین، ص ۳۳۰.

[۲۴] وسائل، کتاب الاطعمه، باب ۲۹، ح ۷

[۲۵] وسائل، همان کتاب، باب ۳۰، ح ۲.

[۲۶] مثل: این روایت که امام صادق علیه السلام فرموده: «اکل الطین حرام علی بنی آدم ما خلا طین قبر الحسین علیه السلام. من اكله من وجع شفاه الله».

[۲۷] وسائل، کتاب الاطعمه، باب ۳۰، ح ۳.

[۲۸] بحار الانوار ط قدیم، (کمپانی) ج ۲۲، ص ۱۴۵، باب تریه الحسین علیه السلام.

[۲۹] نک: وسائل، کتاب الاطعمه، باب ۲۱، ح ۱، ج ۱۶، ص ۳۹.

[۳۰] اللعنه الدمشقیه، ج ۷، ص ۳۲۸ - ۳۲۶. شارح رحمه الله در مسأله چهارم می فرماید: خوردن گل حرام است به تمام انواع و اقسام آن. و دلیل بر حرمت آن، احادیثی است که در این باب وارد شده است از جمله حدیث ذیل: از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که: «هر کسی گل بخورد و هلاک گردد، به مردن خویش کمک کرده است» و نیز امام کاظم علیه السلام فرمود: «تناول گل حرام است مانند مردار و خون و گوشت خوک جز گل قبر حضرت امام حسین علیه السلام چرا که در آن شفا و بهبودی از تمام مرض‌ها و ایمنی از هر ترس و وحشت است». و به همین دلیل شهید رحمه الله فرمود: مگر گل مرقد امام حسین علیه السلام که می توان به مقدار یک نخود متوسط که مقدارش معلوم و معهود است یا کمتر برای بهبودی و مداوای بیمار، آن را تناول نمود. و در جایز بودن تناول تربت حضرت شرط نیست که آن را با خواندن دعا بردارد، و وقت خوردن نیز دعا بخواند، زیرا نصوص مطلق اند، اگرچه انجام این عمل بهتر و افضل است. مقصود از گل مضجع شریف آن حضرت، خاک اراضی است که عرفا مجاور قبر مطهر آن حضرت می باشد. و روایت شده که تا شعاع چهار فرسنگی قبر حضرت می توان از آن تربت استفاده کرد. و در روایت دیگری آمده است: تا شعاع هشت فرسخ مشمول این حکم است. و البته هر چه به قبر مبارک امام علیه السلام نزدیکتر باشد افضل و بهتر است. و اما تربت محترم آن حضرت (که احکام ویژه‌ای دارد از جمله آن که در صورتی که در مذبله افتاد مسدود کردن آن واجب باشد و...) این گونه نیست، بلکه شرط است که از ضریح مقدس برداشته باشند و یا اگر از حوالی ضریح برداشته‌اند آن را روی ضریح مقدس نهاده باشند یا وقت برداشتن آن دعا خوانده باشند در فرضی که چنین تربتی در اختیار کسی قرار گیرد باید آن را محترم بشمارد. همچنین خوردن گل ارمنی جایز است، برای دفع امراضی که نزد پزشکان تناول آن گل مفید است، و باید در استفاده از آن به مقداری که بر حسب گفته اطباء که - مفید ظن و گمان است -، مورد حاجت است اکتفا و از مصرف بیش از آن خودداری نماید و در این باره روایت حسنه‌ای وارد شده است. گل ارمنی، گل معروفی است که از شهر ارمنیه می آورند، رنگش مایل به زردی است و بسیار ترد است از این رو به آسانی سائیده و نرم می گردد. خاصیت آن این است که طبع و خون را از سرکشی نگاه می دارد و خوردن و مالیدن آن به بدن برای درمان آبله و رفع مرض طاعون نافع است، و اگر آن را با سرکه مرطوب و استنشاق نمایند برای بهبودی اثر عظیم دارد. و منافع دیگری هم دارد که در کتابهای طبی ثبت شده است.

[۳۱] وسائل، ج ۱۶، ص ۳۹۴، ح ۱۱.

[۳۲] نک: فروع کافی، ج ۶، ص ۲۱۵ (باب اکل الطین)، ح ۱؛ بحار، ج ۱۰۱، ص ۱۲۹؛ علل الشرایع، ۲۱۹؛ کامل الزیارات ۲۸۵؛

وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۹۵، ح ۱.

[۳۳] ریاض المسائل، چاپ آل البيت عليهم السلام، ۲ ص ۲۸۹.

- [۳۴] المستند، ج ۲، ص ۴۱۶.
- [۳۵] همان، ص ۴۱۷.
- [۳۶] وسائل، ج ۱۶، ص ۳۹۲، باب ۵۸ از ابواب اطعمه محرمه، ح ۲.
- [۳۷] وسائل، ج ۱۶، ص ۳۹۳ - ۳۹۴.
- [۳۸] وسائل، ج ۱۶، ص ۳۹۴، ح ۱۰.
- [۳۹] وسائل، ج ۱۶، ص ۳۹۲، ح ۲.
- [۴۰] وسائل، ج ۱۶، ص ۳۹۲، ح ۲.
- [۴۱] ثواب الأعمال، ۲۳۷؛ بحار، ۶۰، ص ۱۵۰؛ وسائل، ج ۱۶، ص ۱۹۴، ح ۱۱.
- [۴۲] کامل الزیارات، ۲۸۵؛ بحار، ۱۰۱، ص ۱۳۰.
- [۴۳] وسائل ۱۶، ۳۹۵؛ علل الشرائع ۱۷۹.
- [۴۴] وسائل، ج ۱۶، ص ۳۹۳، ح ۷.
- [۴۵] فروع کافی، ۶ ص ۲۶۵؛ علل، ۲، ۲۱۹.
- [۴۶] جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۳۵۵.
- [۴۷] نک: وسائل، ج ۱۶، ص ۳۹۵، باب ۵۹ از ابواب اطعمه محرمه، ح ۱.
- [۴۸] وسائل باب ۵۹، از ابواب اطعمه محرمة و باب ۷۰ از ابواب مزار، ح ۱۲ از کتاب حج.
- [۴۹] جواهر، ج ۳۶، ص ۳۵۵ - ۳۵۸.
- [۵۰] مفاتیح الجنان، ص ۸۶۷.
- [۵۱] جواهر الکلام ج ۳۶، ۳۵۸.
- [۵۲] مستند الشیعه، ج ۲ ص ۴۱۶.
- [۵۳] ریاض المسائل، ج ۲، ص ۲۸۹.
- [۵۴] وسائل، ج ۱۶، ص ۳۹۳، ح ۷.
- [۵۵] بحار الانوار، ۶۰، ص ۱۵۰؛ ثواب الأعمال، ص ۲۳۷؛ ج ۱۶، ص ۳۹۲.
- [۵۶] علل الشرائع، ۱۷۹؛ المحاسن، ۵۶۵؛ فروع کافی، ۲، ۱۵۱؛ تهذیب، ۲، ۳۶۰.
- [۵۷] حلیة المتقین، ص ۱۰۴؛ بحار الأنوار، ۱۰۱، ص ۱۳۰؛ کامل الزیارات، ۲۸۵.
- [۵۸] نک: مزار شیخ مفید رحمه الله، ص ۱۴۳؛ مصباح المتهدج، ۷۳۲؛ کامل الزیارات، ۲۷۵.
- [۵۹] کامل الزیارات، ص ۲۷۵؛ بحار الأنوار، ۱۰۱، ص ۱۲۴؛ کتاب المزار، باب تربته صلوات الله علیه، ح ۲۲.
- [۶۰] کامل الزیارات، ص ۲۷۵؛ بحار الأنوار، ۱۰۱، ص ۱۲۴؛ کتاب المزار، باب تربته صلوات الله علیه، ح ۲۲.
- [۶۱] کامل الزیارات، ۲۷۸؛ بحار، ج ۱۰۱، ص ۱۲۴.
- [۶۲] بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۲۲؛ کافی، ج ۴، ص ۵۸۸؛ کامل الزیارات، ۲۷۴؛
- [۶۳] بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۲۳، ۱۲۴؛ روضة الواعظین، ص ۴۱۱؛ وسائل، ج ۱۰، ص ۴۱۱؛ مکارم الاخلاق، ۱۶۷.
- [۶۴] نیز نک؛ وسائل، ج ۱۶، ص ۴۸۹؛ مصباح المنیر، ۷۳۳؛ بحار، ج ۶۰، ص ۱۵۵.
- [۶۵] مصباح طوسی، ص ۵۱۰؛ بحار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۵ - ۱۳۴، باب تربته صلوات الله علیه، ح ۷۱.
- [۶۶] بحار، ۱۰۱، ۱۲۹، ۴۰؛ مستدرک، ۲، ص ۲۲۱، (چاپ اسلامیة)؛ کامل الزیارات، ۲۸۴.

[۶۷] این کتاب ارزنده با تحقیق این بنده در دست انتشار است.

[۶۸] حدیث شناس و فقیه بزرگوار، مؤلف کتابهای بسیار دانشمند پر آوازه سید نعمه الله جزائری از علمای برجسته شیعه بوده است. درباره‌ی ایشان نگاه کنید: نابغه فقه و حدیث، سید نعمت الله جزائری از سید محمد جزائری.

[۶۹] فوائد الرضویة؛ ۶۹۵؛ قصص العلماء، ۴۴۷؛ مفاتیح الجنان، ص ۸۶۱.

[۷۰] نك: منتهی المطلب، ج ۱، ص ۴۶۱ (باب کیفیت الدفن و مستحباته)؛ بحار، ج ۸۲، ص ۴۵.

[۷۱] تذکره الشهداء، ص ۲۶.

[۷۲] نیز نك: السجود علی الأرض از علامه احمدی؛ جواهر الکلام، ج ۸، ص ۴۲۷؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۳۹؛ کتاب الصلاة مسجد الجبهه، مسأله ۲۶.

[۷۳] من لایحضره الفقیه، ج ۱ ص ۲۶۸؛ وسائل، ج ۳، ص ۶۰۸ - ۶۰۷.

[۷۴] وسائل، ج ۴، ص ۱۰۳۳؛ مکارم الاخلاق، ۳۰۲.

[۷۵] تهذیب، ج ۶ ص ۷۴؛ کافی، ج ۴، ص ۵۸۸؛ وسائل، ج ۱۰، ص ۴۰۰؛ مصباح المتهدج، ۷۳۲.

[۷۶] تهذیب، ج ۶، ص ۷۱؛ مصباح المتهدج، ۷۳۱؛ وسائل، ۱۰، ص ۳۹۹؛ کامل الزیارات، ۲۷۱.

[۷۷] تهذیب ج ۶، ص ۷۲؛ وسائل، ج ۱۰ ص ۴۰۱.

[۷۸] مسائل الاحکام.

[۷۹] عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۱۰۴، ۱؛ بحار، ۱۱۸، ۱۰۱، ۱؛ باب تربته صلوات الله علیه، ح ۱.

[۸۰] امالی ابن الشیخ، ص ۲۰۱؛ تهذیب ۲۶، ۲؛ بحار، ج ۱۰۰، ص ۱۱۹ - ۱۱۸؛ امالی طوسی، چاپ نجف در ۳۲۵؛ وسائل، ۱۰، ص ۴۲۱، باب ۷۰، ح ۹.

[۸۱] وسائل، ج ۱۰، ص ۴۱۰ - ۴۰۹؛ بحار، ج ۱۰۱، ص ۱۱۹؛ امالی طوسی، ۱، ص ۳۲۶.

[۸۲] درباره‌ی علامه حائری مازندرانی نك: علماء معاصرین، ص ۲۲۱.

[۸۳] وی مفسر، محدث، فقیه و حکیم متأله و دارای آثار ارزنده‌ای در علوم مختلف بوده است که در سال ۱۰۰۷ متولد و در سال ۱۰۹۱ رحلت کرده است.

[۸۴] نك: قصص العلماء، ۳۲۲؛ اسرار الشهاده، ۱۶۰ - ۱۵۹؛ خزینة الجواهر، ص ۵۹۲؛ دار السلام عراقی، ص ۵۱۸ - ۵۱۹.

[۸۵] از فقهاء و دانشوران شیعه که در سال ۱۲۳۴ یا ۱۲۳۵ متولد و در سال ۱۳۰۲ در گذشته است. او آثار فراوانی دارد، از جمله: قصص العلماء؛ تذکره العلماء؛ اکیلی المصائب فی مصائب الأطائب.

[۸۶] داستانهای فراوانی در باب فضیلت و فوائد و آثار تربت پاک سید الشهداء (ع) در کتابها آمده است. علاقه‌مندان به منابع زیر مراجعه فرمایند: اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، ج ۲، ص ۴۸۷؛ دارالسلام نوری، ج ۲، ص ۲۸۳؛ خزینة الجواهر، ص ۵۶۲، ۵۹۲، ۵۹۳؛ اختصاص، ص ۵۲؛ گنجینه‌ی رؤیاء، ص ۱۸۷؛ دارالسلام عراقی، ص ۵۴۴؛ شهید جاوید ص ۳۵۷ داستانهای شگفت، ص ۱۰۱ و ۲۸۰؛ مردان علم در میدان عمل، ج ۶، ص ۳۸۱.

[۸۷] از عالمان برجسته و مفسران نامی شیعه است. که در زمان شاه طهماسب صفوی می‌زیسته و در سال ۹۸۸ فوت کرده است. تاریخ وفات او «ملاذ الفقهاء» است. درباره‌ی ایشان نگاه کنید: ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۱۸؛ روضات الجنات، ج ۵، ص ۳۴۵؛ فوائد الرضویه، ص ۳۴۵؛ ریحانة الادب، ج ۵، ص ۲۰.

[۸۸] تفسیر کبیر منهج الصادقین، چاپ اسلامی، ج ۱، ص ۳۹۲.

[۸۹] انوار العقول من اشعار وصی الرسول، ص ۳۲۷ و در دیوان منسوب به حضرت با جمع و ترتیب عبدالعزیز الکریم، ص ۹۶ و

لجهاال.

[۹۰] دیوان منسوب به امام علی علیه السلام، ص ۹۶ (قافیه اللام).

[۹۱] در انوار العقول، ص ۹۵: و ما الفضل.

[۹۲] در انوار العقول: فبادر بعلم و لا تطلب به بدلا.

[۹۳] همان ص ۷ (قافیه الالف).

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزیق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

